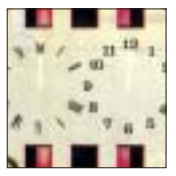
دانش
جهان خمیده غیرمتقارن ۲۰

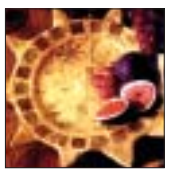
خانه
ظرفی شایسته برای میوه‌های تابستانی ۲۱

خانه
چگونه سنگ کلیه نگیریم ۲۱

جامعه
زندگی در کیش طبقاتی است ... ۲۲

با گذشت ۱۹ سال از بمباران شیمیایی

قربانیان سردشت آمار ندارند

گروه اجتماعی- بنفشه سام گیس : امروز مصادف است با نوزدهمین سالگرد بمباران شیمیایی شهر سردشت. هفتم تیرماه سال ۱۳۶۶ ، دقایقی گذشته از ساعت چهار بعدازظهر چهار نقطه از شهر مورد اصابت بمب‌های خردل قرار گرفت که بر اثر این جنایت ، بیش از هشت هزار نفر از شهروندان این شهر کوهستانی جان خود را از دست داده یا دچار مصدومیت شدند. انتظار می‌رفت که با گذشت ۱۹ سال آنچه که می‌توان «مجادله» نامید به پایان رسیده و آنچه که باقی مانده «ارزش و احترام» باشد. نه تنها مجادله‌ها پایان نیافته بلکه مردم سردشت دل‌آزرده‌اند، علاوه بر صدماتی که در طول هشت سال جنگ تحمیلی ایران و عراق متحمل شده‌اند. فرصتی پیش آمد که به یاد روز هفتم تیر که سالگرد بمباران شیمیایی شهر سردشت بوده و به اشتباه یا به سهو ، روز هشتم تیرماه سالگرد این واقعه اعلام شده است با «عثمان مزین» دبیر کمیته حقوقی انجمن دفاع از حقوق مصدومین شیمیایی سردشت گفت‌وگو کنیم.

■■■

■سردشت اولین شهری نبوده که در طول جنگ هشت ساله مورد اصابت بمب‌های شیمیایی عراق قرار گرفته است. پیش از سردشت مناطق نظامی و غیرنظامی دیگری هم با بمب‌های شیمیایی ، بمباران شده بودند. چرا سردشت شهر مظلوم لقب گرفته است؟

اجازه بدهید برای پاسخ به این سئوال کمی به گذشته رجوع کنم. سال ۱۳۶۶ که سردشت بمباران شد، جمعیت شهر حدود ۲۰ الی ۲۲ هزار نفر بود و امروز کمی بیش از ۴۰ هزار نفر جمعیت دارد. ساعت چهار بعدازظهر روز هفتم تیرماه که اکثر مردم در خانه بودند چهار نقطه پرجمعیت شهر و در واقع مناطق غربی شهر که به مرز عراق نزدیک بود مورد اصابت قرار گرفت. متاسفانه شهر سردشت یک راه خروجی بیشتر ندارد که به پیرانشهر و مهاباد راه می‌برد و اتفاقاً همان مدخل مورد اصابت قرار گرفت. بنابراین علاوه بر مردمی که در خانه ها بودند افرادی هم که در حال خروج و فرار از شهر بودند این گاز را استشمام کردند. با توجه به نبود مراکز درمانی در سردشت و اینکه نیروهای نظامی ایران به هیچ وجه فکر نمی‌کردند که سردشت مورد حمله به خصوص مورد حمله شیمیایی قرار بگیرد لذا، نه نیروهای نظامی و نه مقامات و حتی مردم سردشت هیچ آمادگی‌ای برای مواجهه با گاز شیمیایی نداشتند. تا یک ساعت پس از بمباران، مردم نمی‌دانستند که باید استحمام کنند و همه فکر می‌کردند که یک بمباران عادی است. بعد از دو روز یک سالن ورزشی - سالن تختی - را پر از تخت بستری کردند که البته فقط یک پزشک عمومی در آن سالن حضور داشت. بسیاری از مصدومین به شهرهای تبریز، تهران، شیراز، مهاباد و ارومیه اعزام شدند. متاسفانه به دلیل اینکه در آن شرایط بحرانی هیچ کس به ضرورت ثبت اسامی مراجعه کنندگان یا اعزام شوندگان آگاهی نداشت، امروز افراد بسیاری هستند که هیچ مدرکی دال بر مصدومیت ندارند. مدرکی که بنیاد جانبازان آن را به اسم صورت سانحه می‌شناسد و تنها مدرک معتبر برای تعیین درصد جانبازی است. با وجود این طبق آماری که آیت‌الله رفسنجانی در نماز جمعه مردادماه سال ۸۲ اعلام کرد ۸۰۲۴ نفر از اهالی سردشت در جریان بمباران شیمیایی شهر مصدوم شدند. همچنین طبق آماری که استانداری آذربایجان غربی در سال ۶۶ و ۶۷ منتشر کرد، بمباران شیمیایی سال ۶۶ بیش از ۱۰ هزار کشته و شهید در سردشت، برجای گذاشت. در عین حال همان سال، وزارت امور خارجه فهرستی از نام و فامیل ۴۶۰۰ کشته و مجروح بازمانده از بمباران شیمیایی به سازمان ملل متحد را اعلام کرد. البته در همان روز دو منطقه خارج از سردشت به نام «شهرمی» (در زبان کردی به معنای گلابی سیاه) و «دشت کیران» هم که نزدیک مرز عراق بوده مورد اصابت بمب شیمیایی قرار می‌گیرد که متاسفانه هیچ آماری از مجروحان و کشته‌شدگان این دو منطقه در دست نیست. اما پاسخ به سئوال شما را این گونه بدهم. از سال ۶۶ به بعد، سردشت فراموش شد. اگر واقعه سردشت به طور دقیق منعکس می‌شد بعد از هشت ماه شاهد بمباران شیمیایی حلبچه نبودیم. می‌دانید که گازی که در سردشت استفاده شد گاز خردل بود که موجب کشتار آنی نمی‌شود اما طبق نظریه پزشکان، مدت ماندگاری این گاز در محیط بیش از پنج سال است. مناطقی در اطراف سردشت بود که به علت آلودگی به گاز خردل پس از ۱۸ سال هنوز قابل کشاورزی و کشت محصول نیست. در حالی که اطراف این مناطق سرسبز و حاصلخیز است و هر سال هم بهترین محصول را می‌دهد.

■ می‌گویید مردم سردشت نسبت به بمباران شیمیایی آگاهی نداشتند. آمادگی مردم عادی در چه حد بود؟

در سردشت مناطق نظامی آسیبی ندید. پادگان سردشت در قسمت شمالی شهر قرار داشت و نظامیان هم مجهز به ماسک بودند. اطلاعات مردم شهر در حد آموزش‌هایی بود که در کتاب های درسی خوانده بودند و بس. آن زمان من بچه بودم و یادم هست که بعد از بمباران ما را به حمام بردند در حالی که گریه می‌کردیم و از چشمانمان اشک می‌آمد. شاید یکی از دلایلی که گاز خردل در من زیاد تاثیر نداشت این بود که بلافاصله به حمام رفتیم. مادرم پمادهایی درست کرده بود که هر روز شش هفت بار ما را با آن پمادها شست‌وشو می‌داد. در عین حال دو ساعت پس از بمباران، از بلندگوهای مساجد اعلام شد که به مدت ۲۴ ساعت شیرهای آب را باز بگذاریم چون میدان سرچشمه که امروز میدان قدس نام گرفته و در واقع محلی بود که آب سردشت از آنجا تامین می‌شد مورد اصابت قرار گرفته بود. بنابراین آب شرب هم آلوده بود. عموی من که کارگر حمام بود بعدها می‌گفت که آن روز حداقل ۱۵۰ نفر را شسته بود. امروز هم پنج درصد جانبازی دارد.

■انجمن دفاع از مصدومین شیمیایی سردشت چگونه شکل گرفت؟

از سال ۷۶، مراسمی برای یادبود قربانیان حادثه برگزار می‌شد. سال ۷۸ جمعی از خانواده‌های قربانیان به این فکر افتادند که به همت شورای شهر سردشت انجمنی برای برگزاری مراسم تشکیل دهند. بنابراین انجمن دفاع از حقوق مصدومین شیمیایی تشکیل شد که در سال ۸۰ هم مجوز گرفت، همچنین از سال ۸۰ کمیسیون‌هایی در سردشت فعال شد که افراد بدون صورت سانحه را پذیرش کرده و اعتراض و ادعای آنان را مبنی بر مصدومیت شیمیایی مورد بررسی قرار می‌دهد. البته این افراد باید تمامی آزمایش های تشخیص مصدومیت را با خرج خودشان انجام دهند. هزینه آزمایش‌ها بسیار بالا است و متاسفانه کلینیک سردشت هم فعال نیست.

■کمیسیون‌های پزشکی بنیاد جانبازان تاکنون برای چه تعداد از مصدومین شیمیایی سردشت درصد جانبازی تعیین کرده است؟

ما افرادی را می‌شناسیم که مصدوم شیمیایی هستند اما هنوز موفق به عبور از فیلتر کمیسیون‌های پزشکی بنیاد جانبازان نشده‌اند. کمیسیونی که در سال ۸۲ از سردشت بازدید کرد ظرف دو روز ۱۶۰۰ نفر را مورد معاینه قرار داد که بنابر محاسبه ما هر ۳۶ ثانیه یک نفر معاینه شده است. پزشکی که می‌تواند در ۳۶ ثانیه یک نفر را مورد معاینه قرار داده و درد ۱۶ سال پیش را تشخیص دهد اسم او را باید در کتاب «ترین‌ها» ثبت کرد. ما باید این پزشکان را صادر کنیم. حیف است که کشورهای خارجی از تخصص این پزشکان حاذق بی‌بهره باشند. سال ۸۰ حدود ۵ هزار نفر تشکیل پرونده دادند که هنوز درصد مصدومیت‌شان مشخص نشده است. اما بر اثر اعتراضات سال گذشته، بنیاد در بی‌دروازه‌ای را باز کرد با این فراخوان که هر که معترض است ثبت نام کند. در حالی که هنوز وضعیت آن ۵ هزار مدعی نامعلوم است، ۱۵ هزار نفر هم به آن فهرست اضافه شده است. در عین حال یکی از مسئولان بنیاد جانبازان بارها اعلام کرد که وضعیت مصدومین شیمیایی ایران روز به‌روز رو به وخامت است یعنی مصدوم شیمیایی هیچ گاه مداوا نمی‌شود. جالب است که این مسئله در مورد مصدومین سردشت برعکس عمل کرده است. به عنوان نمونه محی‌الدین جنگ‌دوست ۱۳ نفر از اعضای خانواده‌اش را در جریان بمباران شیمیایی سردشت از دست داد. برای خودش هم ۳۵ درصد جانبازی تعیین کردند اما سال گذشته که با اعتراض به کمیسیون مراجعه کرد، درصد جانبازی او را به ۲۵ درصد کاهش دادند. ایشان ماه رمضان سال گذشته بر اثر صدمات ناشی از مصدومیت شیمیایی در بیمارستان سینای تهران فوت کرد. ما با موارد بسیاری از این دست مواجه هستیم. وقتی که سال گذشته به دکتر دهقان مراجعه کردیم و از ایشان خواستار پاسخ شدیم ایشان پاسخ داد که استانداردهای ما تغییر کرده است. سال ۸۲ از مجموع مراجعان به کمیسیون های پزشکی، هفت درصد جانبازی می‌گرفتند که این رقم امروز به یک درصد کاهش یافته است. به نظر ما این روند درستی نیست که برای افرادی که دچار مصدومیتی بر اثر شرایط یکسانی شده‌اند سیاست‌های مختلفی اتخاذ شود.

■ فکر نمی‌کنید که سخت‌گیری دلایل دیگری دارد؟

انشاءالله که این طور نباشد. به نظر من مشکل واقعی این است که ما سردشت را به جهانیان معرفی نکرده‌ایم. مردم سردشت مصدومان واقعی بودند.

■وضعیت فعلی مصدومان شیمیایی سردشت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مصدومان شیمیایی سردشت دو گروه هستند. گروه اول، مصدومانی هستند که درصد جانبازی گرفته‌اند وگروه دوم مدعیانی هستند که هنوز درصدی برای آنان تعیین نشده است. از سال ۶۶ تا ۷۸ حدود ۳۰۰ نفر از مصدومان شیمیایی سردشت تحت پوشش بنیاد جانبازان قرار گرفتند که ۹۰ نفر آنان بیش از ۲۵ درصد جانبازی داشتند و از کمک‌های بنیاد جانبازان هم بهره‌مند شدند. مابقی کمتر از ۲۵ درصد بودند که هیچ کمکی به آنان تعلق نگرفت به جز یک دفترچه درمانی. از سال ۸۰ و پس از فعالیت کمیسیون‌های بنیاد جانبازان در سردشت، امروز حدود ۱۴۰۰ نفر از اهالی سردشت تحت پوشش بنیاد جانبازان قرار دارند که از این تعداد ۳۰۰ الی ۳۵۰ نفر با درصد بالای ۲۵ درصد از امکانات بنیاد استفاده می‌کنند.

■انجمن دفاع از مصدومین شیمیایی سردشت، چه مقدار از این فهرست ۲۰ هزار نفری را تایید می‌کند و فکر می‌کنید چه تعداد از مصدومین موفق به دریافت درصد جانبازی شده‌اند؟

ما یک تشکل غیردولتی هستیم. کمیته پزشکی ما فقط می‌تواند راهکار ارائه دهد. پیشنهاد ما به بنیاد جانبازان این بودکه به شعاع ۱۰۰۰ متر از محل اصابت بمب در سال ۶۶، خانواده ها و کسبه شناسایی شوند و با این راهکار به نظر می‌رسید که حداقل ۶۰۰۰ نفر از تعداد هشت هزار نفری مصدومان شیمیایی قابل شناسایی باشند.

■ از افرادی مثال زدید که علائم مصدومیت در ظاهرشان کاملاً مشهود است. چه تعدادی از این افراد که علائم مشخص ظاهری دارند درصد جانبازی گرفته‌اند؟

بسیاری شان فاقد درصد هستند. به عنوان نمونه «رحیم صداقت» خواهرش و مادرش علائم مصدومیت را به وضوح در چهره دارند. سرفه می‌کنند، لاغر هستند، ضعیف هستند و در مقابل بیماری هیچ مقاومتی ندارند. آنها بعد از بمباران به بیمارستان سینا اعزام شده و ۲۴ روز بستری بوده‌اند. سه سال است که پیگیر پرونده‌شان هستند اما هنوز موفق به گرفتن درصد جانبازی نشده‌اند.

■این علائمی که شما می‌بینید، آیا اعضای کمیسیون پزشکی بنیاد جانبازان هم می‌بینند؟

وقتی من که هیچ اطلاعات پزشکی ندارم این علائم را می‌بینم یک پزشک نمی‌بیند؟ وقتی آمار دولت از وجود هشت هزار کشته و مصدوم شیمیایی خبر می‌دهد و بنیاد جانبازان فقط ۱۴۰۰ نفر را تحت پوشش قرار داده پس ۶۶۰۰ نفر باقی کجا هستند؟

■وضعیت زنان مصدوم چگونه است؟ من در بازدید از سردشت متوجه شدم که به دلیل فرهنگ خاصی که در آن شهر رایج است، مردها برای درمان زنان اهمیتی قائل نیستند و در واقع برای درمان زنان حاضر به هزینه نیستند.

با توجه به آنکه نیمی از جمعیت شهر سردشت را زنان تشکیل می‌دهند و مناطق بمباران شده هم مناطق مسکونی بوده‌اند، اما متاسفانه تعداد زنان مصدوم زیاد است. در عین حال زنان سردشت مراجعه کمتری به مراکز اداری داشته و به همین دلیل تعیین درصد جانبازی زنان با کندی بسیار پیش می‌رود. در حالی که به نظر من مصدومیت شیمیایی اثر شدیدتری روی زنان داشته است زیرا زنان باید بچه پرورش دهند.

■البته شنیده‌ام که بسیاری از زنان اهل سردشت از قدرت باروری ساقط شده و به خصوص، دچار ناتوانی جنسی هستند که این معضل در بالارفتن آمار طلاق یا ازدواج مجدد مردان تاثیر بسیار داشته است.

بله و حتی در بررسی تولد بعضی از نوزادان معلول، کاشف به عمل آمد که مادر این نوزاد مصدوم شیمیایی بوده است. اما به شما بگویم زنان سردشت نه فقط از بابت تولیدمثل دچار مشکل شده‌اند بلکه ناراحتی اعصاب دارند و دائماً سرفه می‌کنند. به یکی از کودکانی که مادرش مصدوم شیمیایی بود گفتم که خاطره‌ای از مادرش برای ما بگوید و او گفت که اولین چیزی که از مادرش به یاد دارد سرفه است و اولین صدایی که از مادرش شنیده سرفه بوده است. از اکثر بچه‌های کوچک که هنوز حرف زدن یاد نگرفته‌اند بپرسید که مادرت چه می‌کند ادای سرفه کردن مادرشان را در می‌آورند.

■ این مشکلات متوجه همسران این زنان است؟

خیر. تقصیر مسئولان است.

■ چرا فکر می‌کنید که مسئولان مقصرند؟

مگر مردانی که به بنیاد مراجعه کردند چقدر درصد جانبازی گرفتند؟ مگر مردانی که مراجعه کردند چقدر مداوا شدند که اگر زنان مراجعه می‌کردند؟ این فرهنگ مردسالاری که شما از آن می‌گویید به این شدت نیست که مردها جلوی زن‌شان را بگیرند که از خانه خارج نشوند.

■جلوی زن‌شان را نمی‌گیرند که از خانه بیرون نروند. پول به آنها نمی‌دهند که درمان‌شان را پیگیری کنند و برای تشخیص مصدومیت آزمایش بدهند.

این به مشکلات مالی مردم بازمی‌گردد.

من مردهای بسیاری را سراغ دارم که به دلیل نداشتن پول درمان خود را پیگیری نکرده‌اند. اگر بنیاد جانبازان بر این عقیده بود که شناسایی و تعیین درصد برای زنان مصدوم اهمیت دارد و مردان سردشت با ندادن پول مانع از پیگیری درمان زنان مصدوم می‌شوند می‌توانست آزمایش‌های تشخیصی برای زنان را رایگان کند. من فردی را سراغ دارم که کارگر خیاطی است و با ماهی ۳۰ هزار تومان زندگی می‌کند. این فرد باید حقوق سه ماه خود را جمع کند تا پول یک آزمایش بدهد. همین فرد چهار سال است که تعیین درصد نشده است.

■وضعیت حضور پزشکان در شهر چگونه است؟ متخصصان چشم، ریه، اعصاب و روان...

هیچ امکانات تشخیصی در سردشت وجود ندارد. پزشک متخصص هم نداریم. فقط پزشکان عمومی مستقر هستند. شهر سردشت خیلی محروم است. پزشک متخصص حاضر نیست آنجا مستقر شود. در مراسم یادبود سال گذشته که بنیاد به ما قول حضور و استقرار پزشک داده بود، پس از سه، چهار ماه کمیسیون پزشکی به شهر آمد و دو روز بود و رفت. وقتی از بنیاد جانبازان سئوال می‌کنیم می‌گوید پزشک نداریم. برای شهری که بیشترین تعداد مصدوم شیمیایی را دارد پزشک ندارند. اما برای تهران و شیراز دارند.

■وضعیت بیمه مصدومین شیمیایی چگونه است؟

آزمایش‌های تشخیص مصدومیت مشمول بیمه نمی‌شود و باید هزینه آن به صورت آزاد پرداخت شود چون شخصی که ادعا می‌کند مصدوم شیمیایی است هزینه‌ای را به بیمه تحمیل می‌کند که بیمه هم آن را تقبل نمی‌کند. آن افرادی که درصد جانبازی دارند، دفترچه بیمه هم دارند.

■شایع است که داروی جانبازان شیمیایی از جمله داروهایی است که به عراق قاچاق می‌شود، چه نظری دارید؟

سردشت یک شهر مرزی است و بخش عمده‌ای از درآمد مردم از معاملات مرزی و قاچاق بین کردستان عراق و ایران تامین می‌شود. داروهای مصدومین شیمیایی هم آنقدر ارزان‌قیمت نیست که ارزش قاچاق شدن را داشته باشد. در عین حال این داروها از کانال بنیاد جانبازان وارد شرکت می‌شود. اگر قاچاق آنها صحت داشته باشد چه پاسخی برای آن داریم؟

■در سردشت چند مرکز درمانی مجهز دارید؟

یک بیمارستان عمومی داریم. یک کلینیک مصدومین شیمیایی هم داریم که در سال‌های ۷۵-۷۴ پیشرفته‌ترین کلینیک مصدومین شیمیایی محسوب شد اما متاسفانه امروز غیر از یک ساختمان خالی که دو سه روز در سال محل استقرار چند پزشک اعزامی است کارکرد دیگری ندارد. امروز هم بین بنیاد جانبازان و بنیاد شهید بر سر این ساختمان دعوا است که تبدیل به اداره شود. در حالی که این ساختمان از جمله طرح‌های اهدایی مقام رهبری بود و متاسفانه استفاده درستی از آن نشد.

■شما در خلال صحبت‌هایتان فقط از کمی‌ها و کاستی‌ها و مظلومیت مردم سردشت گفتید. سال گذشته یک هیات ژاپنی صرفاً برای بازدید از سردشت به ایران آمدند. فکر نمی‌کنید که حضور یک هیات ژاپنی می‌تواند از جمله اقدامات خوب برای مردم سردشت محسوب شود؟

هیات ژاپنی که آمد قرار بود ما با آن هیات ملاقات داشته باشیم که به زحمت نیم‌ساعت فرصت گفت‌وگو در اختیارمان گذاشتند. ما می‌خواستیم به اعضای آن هیات بگوییم که اگر می‌خواهند به شهر سردشت کمک دارویی و پزشکی بکنند کمک‌ها را در سردشت مستقر کنند نه در جای دیگر. متاسفانه مترجم حرف‌های ما را ترجمه نمی‌کرد یعنی صریحاً به ما گفت که حرف‌های ما را برای هیات ژاپنی ترجمه نخواهد کرد.

در حالی که ما جز بیان درد حرف دیگری نداشتیم و نداریم. ما معتقدیم که سردشت دو بار بمباران شد. یک بار سال ۶۶ و یک بار هم وقتی که کوچک‌ترین حق و حقوقی از مردم سردشت ادا نشده است.

■سال گذشته بحث خواهرخواندگی سردشت و هیروشیما مطرح و خیابانی به نام هیروشیما در سردشت نامگذاری شد. هیات ژاپنی چه کار دیگری باید انجام می‌داد تا موجب رضایت مردم سردشت باشد؟

من این سئوال شما را تصحیح می‌کنم که قرار بود خواهرخواندگی بین سردشت و هیروشیما برقرار شود اما این اتفاق عملاً نیفتاد. به این معنا که مقامات ژاپنی مردادماه سال گذشته به این نتیجه رسیدند که سردشت قابل قیاس با هیروشیما نیست زیرا تعداد قربانیان هیروشیما بسیار زیاد و تعداد قربانیان سردشت بسیار کم است.

شما قضاوت کنید وقتی بنیاد جانبازان نام ۱۱۱ شهید را به عنوان شهدای سردشت طی بمباران شیمیایی سال ۶۶ به رسمیت می‌شناسد، ۱۱۱ نفر شهید سردشت کجا و آن تعداد کثیر قربانیان هیروشیما کجا؟ بنیاد شهید هنوز افرادی را که بر اثر مصدومیت‌های بازمانده از بمباران فوت کردند به عنوان شهید قبول ندارد و می‌گوید این مرگ چون صورت سانحه نداشته ما نمی‌توانیم فوت او را بر اثر مصدومیت شیمیایی بپذیریم. آیا وارث یک متوفی باید برای او صورت سانحه تشکیل دهد؟ به نظر ما شهید تمام آن افراد بی‌گناهی هستند که در خلال جنگ کشته شده‌اند. چه نظامی، چه غیرنظامی. مصطفی اسدزاده که آن زمان سرباز بود و هفت نفر از اعضای خانواده‌اش را با دست‌های خودش دفن کرده است، برای این فرد چه جوابی داریم؟ برای جنگ‌دوست چه جوابی داریم؟ بازمانده یک خانواده ۱۳ نفری که اعضای خانواده را با دست‌های خودش به خاک سپرد؟

مراسم یادبود قربانیان - سال۸۷، عکس: مهدی حسنی، شرق

■گزارش هواشناسی سردشت در روز بمباران شیمیایی*

مسئول وقت و حال حاضر اداره هواشناسی سردشت از وضعیت هواشناسی هفتم تیر سال ۶۶ این شهر گزارشی تهیه و به آرشیو انجمن مصدومین سردشت اهدا کرد تا چون سندی مهم از این فاجعه ثبت و ماندگار باشد. عین گزارش نامبرده را در زیر آورده‌ایم: «هفتم تیر سال ۶۶ فاجعه‌ای دیگر جوشیدن گرفت و این بار در سردشت همچون هیروشیما و ناکازاکی مردم بی‌دفاع به وسیله سلاح‌های کشتار جمعی مورد تهاجم قرار گرفتند. بی‌گناهان زیادی شهید و عده‌ای بی‌شمار نیز از نعمت سلامتی خدادادی ساقط شدند. با درود به روان پاک شهدا و قربانیان فاجعه شیمیایی سردشت. با توجه به اینکه تمامی اتفاقات این روز پردرد در هوایی که در فضای شهر پخش بوده اتفاق افتاده است بر خود واجب دانستم اطلاعات آماری هواشناسی روز فاجعه را ارائه کنم. پارامترهای هواشناسی که در روز هفتم تیر سال ۶۶ ثبت شده‌اند عبارتند از درجه حرارت، سمت و سرعت باد، فشار هوا، رطوبت نسبی و شرایط جوی (پدیده) از ساعت ۹/۵ صبح لغایت ۱۵/۵ بعدازظهر به صورت سه ساعت سه ساعت.

■تاثیر پارامترهای هواشناسی بر روی عملکرد گازهای شیمیایی در روز فاجعه:

درجه حرارت: درجه حرارت ثبت شده در ایستگاه هواشناسی از داخل جعبه اسکرین در ارتفاع دومتری سطح زمین است و نشانگر دمای هوای دومتری سطح زمین است و با توجه به جذب بیشتر اشعه خورشید توسط خاک، سطح زمین از گرمای بیشتری برخوردار خواهد بود و در عین حال ایستگاه هواشناسی در سال ۱۳۶۶ در بالای کوه گرده‌سور که شهر سردشت در دامنه آن واقع شده، قرار داشته و دمای ثبت شده مربوط به آن نقطه است. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد دمای هوای شهر ۴-۵ درجه از دمای محل ایستگاه بیشتر است و نهایتاً اینکه آسفالت خیابان‌ها هم بخشی از نور خورشید را جذب کرده که خود باعث افزایش دما می‌شود. پس نقش درجه حرارت که احتمالاً در داخل و خیابان‌های شهر به ۴۵ درجه رسیده دارای اهمیت زیادی است و فراموش نکنیم بر اساس قوانین فیزیکی و شیمیایی، واکنش و عملکرد مواد از جمله گازهای شیمیایی در جذب و ترکیب و اثر متقابل بر هم و مواد دیگر در درجه حرارت‌های بالا سریع‌تر است.

رطوبت نسبی: واکنش‌های شیمیایی در مجاورت رطوبت و محیط‌های مایع سریع‌تر انجام می‌گیرند و هر چه رطوبت کمتر باشد امکان پراکنش و تحرک مولکول‌های گازی بیشتر بوده و هنگام پراکنده شدن در فضای بیشتری پخش می‌شوند. در روز حادثه کم بودن رطوبت نسبی در مرحله اول به پراکنده شدن بیشتر آلودگی‌های حاصل از انفجار بمب‌های شیمیایی کمک و دامنه پراکنش آنها را زیادتر کرده است و در وعده دوم که بیشتر مورد توجه است در جای خود بحث خواهد شد.

سرعت و سمت باد: عامل اصلی حرکت مولکول‌های هوا و ترکیبات اتمسفر و مخلوط کردن هوای دور کره زمین باد است. هر چه سرعت حرکت هوا بیشتر باشد ذرات موجود در هوا مسافت بیشتری در لحظه سپری خواهند کرد. با توجه به اینکه در روز حادثه باد و جریان هوا از سمت جنوب و جنوب غربی شهر بوده پس از بمباران و با عنایت به بالا بودن درجه حرارت و خشکی هوا در فاصله زمانی اصابت بمب‌ها تا زمانی که عملیات پدافند شیمیایی به وسیله نیروهای نظامی انجام گرفت، حدوداً ده دقیقه پس از بمباران، پراکنش مواد و آلودگی‌های شیمیایی قسمت زیادی از شهر را فراگرفته و پخش شد و می‌توان گفت در قسمت عمده بافت مسکونی شهر گازهای شیمیایی پخش شده است. ضمناً با عنایت به اینکه شهر سردشت در دامنه کوه «گرده‌سور» قرار گرفته و با نگرش به دو پدیده باد دشت و باد کوه در هواشناسی، از سمت شهر جریانی با درجه حرارت زیاد به سوی کوه وجود داشته است که این امر نیز در هنگام بمباران به پراکنش بیشتر ذرات و مواد شیمیایی کمک کرده است. حال با توجه به موارد فوق و انجام گرفتن عملیات پدافند (ش م ر) در ده دقیقه پس از بمباران می‌توان گفت انجام پاکسازی و پدافند محل اصابت بمب‌ها فقط برای آن نقاط موثر بوده است و فضای اطراف محل برخورد بمب‌ها تاثیری از این پاکسازی ندیده و لذا محلات و قسمت‌های دیگر شهر هم محل مصدومیت مردم بوده و بیشتر تلفات نیز ناشی از این عدم آگاهی مردم به آلوده بودن مکان‌های عمومی، معابر و دیگر محلات شهر بوده است. و اما براساس مشاهدات گرم بودن هوا و کم بودن رطوبت در روز فاجعه دو عامل اصلی عرق کردن بدن در نهایت باعث مرطوب شدن پوست شده است پس ذرات و مواد شیمیایی که با پوست در تماس بوده‌اند و یا به همراه تنفس به داخل ریه‌ها وارد شده‌اند در محیط مربوط که مناسب برای واکنش شیمیایی است واقع شده‌اند، یعنی رطوبت پوست در اثر تعریق و رطوبت داخل ریه‌ها به عنوان کاتالیزور برای این واکنش‌ها بوده است. چنانچه می‌بینیم آن روز زمانی چند پس از بمباران حدوداً ۶ الی ۱۲ ساعت بعد واکنش‌های شیمیایی انجام یافته است و این امر در مراجعه مصدومین چند ساعت پس از بمباران به نقاهتگاه (ش م ر) و بیمارستان شهر مشهود است و در اوایل شب و روز بعد هم یعنی هشتم تیر مراجعه مصدمین بیشتر بوده است که به دلیل کثرت و وفور مراجعه‌کنندگان آنان را به شهرهای دیگر اعزام می‌کردند.

اطلاعات آماری روز هفتم تیرماه سال ۱۳۶۶

زمان	درجه حرارت	سرعت باد	سمت باد	فشار	رطوبت نسبی	شرایط جوی
ساعت ۹/۵ صبح	۲۷/۸	۰۰	۰۰	۵۲۸/۵	۲۵ درصد	گرد و غبار
ساعت ۱۲/۵ بعدازظهر	۳۰	۰۳	۱۷۰	۸۲۵/۸	۱۷ درصد	گرد و غبار
ساعت ۱۵/۵ بعدازظهر	۳۱	۰۶	۱۹۰	۸۲۵	۱۲ درصد	صاف
ساعت ۱۸/۵ بعدازظهر	به علت بمباران شیمیایی ثبت نشده است					

اطلاعات آماری روز هشتم تیرماه سال ۱۳۶۶

زمان	درجه حرارت	سرعت باد	سمت باد	فشار	رطوبت نسبی	شرایط جوی
ساعت ۹/۵ صبح	۲۶/۸	۵ متر در ثانیه	۳۳۰	۸۲۵/۳	۱۸۵	گردوغبار
ساعت ۱۲/۵ بعدازظهر	۲۷/۲	۵ متر در ثانیه	۲۳۰	۸۲۵/۳	۱۶۵	صاف
ساعت ۱۵/۵ بعدازظهر	۲۹	۱۰ متر در ثانیه	۳۰۰	۸۲۴/۷	۲۰۵	صاف
ساعت ۱۸ بعدازظهر	۲۷	۸ متر در ثانیه	۲۳	۸۲۴/۰	۱۴۵	صاف

*منبع: نشریه انجمن دفاع از حقوق مصدومین شیمیایی سردشت

شهر ما

بحران زباله در ساری

مهدی افروزمنش

برگزاری اولین مجمع عمومی کمیته تخصصی خبرنگاران شهری، تایید احتمال گذر مترو اصفهان از خیابان تاریخی چهارباغ عباسی، درگیری در جریان بررسی نتایج مطالعات طرح جامع تهران و بحران زباله در ساری به همراه انتشار خبر هزینه‌کرد بدون سند ۳۵۰ میلیارد تومان اعتبار در مدیریت گذشته شهرداری مهمترین رویدادهای یک هفته اخیر شهرهای کشور را رقم زدند.

■ کمیته تخصصی شهر

اولین مجمع عمومی کمیته تخصصی خبرنگاران شهری عصر دوشنبه تشکیل و در خلال آن آئین‌نامه این کمیته از سوی اعضا تصویب شد. این نخستین حرکت منسجم خبرنگاران حوزه شهری در قالب یک نهاد مدنی به شمار می‌آید. مطابق آنچه در آئین‌نامه این کمیته که به‌عنوان یکی از کمیته‌های انجمن صنفی روزنامه‌نگاران فعالیت می‌کند آمده است: ارتقای سطح کیفی خبرنگاران حوزه شهر در سراسر کشور، دیده‌بانی و آگاه‌سازی افکار عمومی در جهت حفظ منافع شهر و ارائه گزارش‌های مستمر از نحوه اداره شهرهای کشور از اهم اهداف خواهد بود. مطابق گفته اعضای هیات اجرایی این کمیته تاکنون حدود ۳۰ نفر از خبرنگاران به عضویت این کمیته درآمده‌اند.

■مترو در چهارباغ

اما در دومین رویداد، شهردار اصفهان آخرین گزینه‌های عبور از خط قطار شهری (مترو) را اعلام کرد که براساس آن «چهارباغ عباسی» و «باغ گلدسته» از بیشترین احتمال برخوردار هستند. سقائیان‌نژاد در حالی چهارباغ را به‌عنوان «گزینه» مطرح کرده است که این موضوع طی سه سال گذشته محل مناقشات بسیاری بوده است. ثبت این خیابان در فهرست آثار ملی و به خطر افتادن آن در صورت گذر مترو از مهم‌ترین دلایل مخالفت سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و تشکل‌های غیردولتی بوده و هست. البته شهردار اصفهان به اظهارات خود این جمله را نیز افزوده که شهرداری هیچ حساسیتی برای گذر مترو از خیابان «چهارباغ» و یا «باغ گلدسته» ندارد و اجرای طرح قطار شهری بر مبنای ملاحظات کارشناسی است. به گفته سقائیان‌نژاد تنها حساسیت فعلی شهرداری تعیین تکلیف هر چه زودتر اجرای طرح است که معطل ماندن آن ۲۰ میلیارد تومان سرمایه شهر اصفهان را راکد کرده است.

■درگیری در طرح جامع

درگیری لفظی بین معاون و مشاور شهردار تهران در جریان بررسی نتایج طرح جامع سومین اتفاق مهم مدیریت شهری در طول هفته گذشته را رقم زد. انتقاد مشاور شهردار به دیده نشدن مسائل سیل و زلزله و همچنین حریم در طرح جامع تهران بود که واکنش تند معاون شهردار را به دنبال داشت. ناراحتی حبیب‌اللهیان از انتقاد شریف‌بیگی به حدی بود که انتقاد وی را به داشتن مشکلات دیگر مربوط دانست. اما با این حال مشاور شهردار برای چندمین‌بار تاکید کرد که طرح جامع قابلیت اجرایی ندارد. این برای چندمین‌بار است که محتوای طرح جامع انتقاد کارشناسان را به دنبال می‌آورد. پیش از این نیز موسسه فرانسوی اپور که وظیفه مشاوره طرح را برعهده داشت طی دو جلد گزارش نسبت به وجود ابهاماتی در این طرح هشدار داده بود. هنوز جزئیات این طرح که به‌عنوان سند توسعه تهران از آن نام برده می‌شود در اختیار مطبوعات و اساتید دانشگاهی قرار نگرفته است. با این حال شهردار تلویحاً دستور داده است که این امر باید هر چه سریع‌تر صورت پذیرد. همچنین شنیده شد قالیباف انتقادات مشاور خود به طرح را درست دانسته و دستور بررسی بیشتر را صادر کرده است.

■بحران زباله

اما اگر طرح جامع مدیران شهرداری تهران را رودرروی یکدیگر قرار داد کیلومترها آن‌سوتر زباله باعث بروز اختلافات بین مسئولان شهر ساری شد. در همین رابطه یک عضو شورای این شهر گفته است: آقایانی که زحمات پرسنل شهرداری را زیر سئوال می‌برند، آیا یک لحظه در کنار ز